



روان‌شناسی در قرآن و حدیث

(جلد اول)

حجت‌الاسلام دکتر محمدصادق شجاعی



پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

پاییز ۱۳۹۷

شجاعی، محمدصادق، ۱۳۵۰-

روان‌شناسی در قرآن و حدیث / محمدصادق شجاعی - قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ۱۳۹۷.

۲ ج. سیزده، ۲۴۲ ص. - (پژوهشگاه حوزه و دانشگاه: ۴۴۹: روان‌شناسی؛ ۴۱)

بها: ۱۶۵۰۰۰ ریال

ISBN: ۱ ج. 978-600-298-227-8

۲ ج. 978-600-298-228-5

فهرست‌نویسی براساس اطلاعات فیپا.

کتابنامه، ص. [۲۰۷] - ۲۱۷؛ همچنین به صورت زیرنویس.

نمایه.

۱. قرآن -- روان‌شناسی. ۲. Qur'an -- Psychology. ۳. روان‌شناسی اسلامی. ۴. Islam -- Psychology.

الف. پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، ب. عنوان.

۲۹۷/۲۸۵

BP۱۰۳/۲۵/ش۳۹۱۳۹۷

شماره کتابشناسی ملی

۵۳۸۱۰۸۴



روان‌شناسی در قرآن و حدیث (جلد اول)

مؤلف: حجت‌الاسلام دکتر محمدصادق شجاعی

ناظر علمی: آیت‌الله سیدمحمد غروی‌راد

ناشر: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه

صفحه‌آرایی: اعتصام

چاپ اول: پاییز ۱۳۹۷

تعداد: ۵۰۰ نسخه

لیتوگرافی: سعیدی

چاپ: قم - سبحان

قیمت: ۱۶۵۰۰ تومان

کلیه حقوق برای پژوهشگاه حوزه و دانشگاه محفوظ و نقل مطالب با ذکر مأخذ بلامانع است.

قم: ابتدای شهرک پردیسان، بلوار دانشگاه، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، تلفن: ۰۲۵-۳۲۱۱۱۱۰۰ (انتشارات ۰۲۵-۳۲۱۱۱۳۰۰)

نمابر: ۰۲۵-۳۲۸۰۳۰۹۰، ص. پ. ۳۱۵۱-۳۷۱۸۵

تهران: خ انقلاب، بین وصال و قدس، کوی اُسکو، پلاک ۴، تلفن: ۰۲۶۰۰-۶۶۴۰۲۶۰۰

www.rihu.ac.ir

info@rihu.ac.ir

www.ketab.ir/rihu

فروش اینترنتی

سخن پژوهشگاه

پژوهش در علوم انسانی [به منظور شناخت، برنامه‌ریزی و ضبط و مهار پدیده‌های انسانی] در راستای سعادت واقعی بشر ضرورتی انکارناپذیر و استفاده از عقل و آموزه‌های وحیانی در کنار داده‌های تجربی و در نظر گرفتن واقعیت‌های عینی و فرهنگ و ارزش‌های اصیل جوامع، شرط اساسی پویایی، واقع‌نمایی و کارایی این‌گونه پژوهش‌ها در هر جامعه است.

پژوهش کارآمد در جامعه ایران اسلامی در گرو شناخت واقعیت‌های جامعه از یک‌سو و اسلام به عنوان متقن‌ترین آموزه‌های وحیانی و اساسی‌ترین مؤلفه فرهنگ ایرانی از سوی دیگر است؛ از این‌رو، آگاهی دقیق و عمیق از معارف اسلامی و بهره‌گیری از آن در پژوهش، بازنگری و بومی‌سازی مبانی و مسائل علوم انسانی از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است.

توجه به این حقیقت راهبردی از سوی امام خمینی رحمته‌الله بنیانگذار جمهوری اسلامی، زمینه شکل‌گیری دفتر همکاری حوزه و دانشگاه را در سال ۱۳۶۱ فراهم ساخت و با راهنمایی و عنایت ایشان و همت اساتید حوزه و دانشگاه، این نهاد علمی شکل گرفت. تجربه موفق این نهاد، زمینه را برای گسترش فعالیت‌های آن فراهم آورد و با تصویب شورای گسترش آموزش عالی در سال ۱۳۷۷ «پژوهشکده حوزه و دانشگاه» تأسیس شد و در سال ۱۳۸۲ به «مؤسسه پژوهشی حوزه و دانشگاه» و در سال ۱۳۸۳ به «پژوهشگاه حوزه و دانشگاه» ارتقا یافت.

پژوهشگاه تاکنون در ایفای رسالت سنگین خود خدمات فراوانی به جوامع علمی ارائه نموده است که از آن جمله می‌توان به تهیه، تألیف، ترجمه و انتشار ده‌ها کتاب و نشریه علمی اشاره کرد.

این اثر به عنوان منبع درسی برای دانشجویان رشته‌های روان‌شناسی، علوم تربیتی و گرایش‌های وابسته در مقطع کارشناسی و کارشناسی ارشد فراهم شده است که البته دیگر علاقه‌مندان به این زمینه تحقیقی نیز می‌توانند از آن بهره‌مند شوند.

از استادان و صاحب‌نظران ارجمند تقاضا می‌شود با همکاری، راهنمایی و پیشنهادهای اصلاحی خود، این پژوهشگاه را در جهت اصلاح کتاب حاضر و تدوین دیگر آثار مورد نیاز جامعه دانشگاهی یاری دهند.

در پایان پژوهشگاه لازم می‌داند از تلاش‌های مؤلف محترم اثر، جناب آقای دکتر محمدصادق شجاعی و نیز از ناظر محترم اثر، آیت‌الله سیدمحمد غروی‌راد، مدیر گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه سپاسگزاری کند.

فهرست مطالب

مقدمه..... ۱

فصل اول: کلیات و مبانی نظری روان‌شناسی در قرآن و حدیث

هدف‌های آموزشی.....	۳
۱-۱. تعریف روان‌شناسی.....	۳
۱-۲. موضوع روان‌شناسی.....	۴
۱-۳. اهداف روان‌شناسی.....	۴
۱-۴. پیشینه و تاریخچه روان‌شناسی.....	۴
۱-۵. نقش فراموش شده دین و منابع دینی در تاریخچه روان‌شناسی.....	۵
۱-۶. روان‌شناسی در قرآن و حدیث.....	۶
۱-۷. ظرفیت قرآن و حدیث برای موضوعات روان‌شناسی.....	۷
۱-۸. دورنمای موضوعی روان‌شناسی در قرآن و حدیث.....	۸
۱-۹. نقش قرآن و حدیث در تولید نظریه علمی.....	۱۲
۱-۱۰. روش‌شناسی و راهبردهای پژوهش در قرآن و حدیث.....	۱۴
۱-۱۱. چیستی و اهمیت پژوهش.....	۱۴
۱-۱۲. جایگاه روش و روش‌شناسی در پژوهش‌های علمی.....	۱۵
۱-۱۳. روش‌های پژوهش در قرآن و حدیث.....	۱۶
۱-۱۳-۱. روش قیاسی.....	۱۶
۱-۱۳-۲. روش استقرایی.....	۱۷
۱-۱۳-۳. روش مشاهده.....	۱۸
۱-۱۳-۴. روش تجربه و آزمایش.....	۲۰

۲۱ ۵-۱۳-۱. روش تاریخی
۲۳ ۶-۱۳-۱. روش تحلیل محتوا
۲۴ ۷-۱۳-۱. روش شهود و مکاشفه
۲۴ ۸-۱۳-۱. روش درون‌نگری
۲۵ ۹-۱۳-۱. مصاحبه و نظرسنجی
۲۶ پرسش و تمرین

فصل دوم: مبانی انسان‌شناسی در قرآن و حدیث

۲۷ هدف‌های آموزشی
۲۷ ۱-۲. مقدمه
۲۸ ۲-۲. مبانی انسان‌شناسی و نقش آن در تدوین نظریه‌ها و نظام‌های روان‌شناختی
۲۸ ۳-۲. بحران انسان‌شناسی در روان‌شناسی معاصر
۳۰ ۴-۲. انسان‌شناسی دینی
۳۱ ۵-۲. جایگاه انسان در سلسله‌مراتب هستی
۳۲ ۶-۲. مفروضه‌های اساسی درباره انسان
۳۲ ۱-۶-۲. انسان آفریده خدا
۳۲ ۲-۶-۲. نیازمندی
۳۳ ۳-۶-۲. ترکیب انسان از جسم و روح
۳۴ ۴-۶-۲. تأثیرگذاری روح و بدن بر یکدیگر
۳۴ ۵-۶-۲. طبیعت و فطرت
۳۶ ۶-۶-۲. وجود گرایش‌های متضاد
۳۷ ۷-۶-۲. منحصر به فرد بودن
۳۷ ۸-۶-۲. آخرت و زندگی پس از مرگ
۳۸ ۹-۶-۲. هدف متعالی در زندگی
۳۸ ۱۰-۶-۲. عقلانیت
۳۸ ۱۱-۶-۲. اراده و اختیار
۴۰ پرسش و تمرین

فصل سوم: تاریخچه و پیشینه پژوهش‌های روان‌شناختی در قرآن و حدیث

۴۱ هدف‌های آموزشی
۴۱ ۱-۳. مقدمه

۴۲ پژوهش‌های پراکنده و غیرنظام‌مند
۴۲ حوزه مطالعات کلامی
۴۵ حوزه اخلاق اسلامی
۴۵ حوزه فلسفه اسلامی
۴۶ عرفان و تصوف اسلامی
۴۷ ارائه خدمات روان‌شناختی در عمل
۴۸ پژوهش‌های روان‌شناختی در قرآن و حدیث در دوره معاصر
۴۹ الف) پژوهش‌های انجام شده در خارج از ایران
۵۲ ب) پژوهش‌های روان‌شناختی در قرآن و حدیث در ایران
۵۷ پرسش و تمرین

فصل چهارم: احساس و ادراک

۵۹ هدف‌های آموزشی
۵۹ ۱- مقدمه
۵۹ ۲- حواس ظاهری
۶۰ ۱- حس بینایی
۶۱ ۲- نور و بینایی
۶۲ ۳- ادراک رنگ
۶۴ ۴- شنوایی
۶۶ ۵- بویایی
۶۷ ۶- چشایی
۶۷ ۷- بساوابی (لامسه)
۶۹ ۳- حواس باطنی
۶۹ ۴- حس چندگانه (مشترک)
۷۰ ۵- فرایند نگهداری اطلاعات حسی
۷۰ ۶- استنباط‌های معنایی ساده
۷۱ ۷- اندوزش معنایی
۷۲ ۸- فرایندهای حسی خلاق
۷۳ ۹- عقل و فرایندهای ادراکی عالی‌تر
۷۵ ۱۰- شناخت، درک و فهم
۷۶ ۱۱- کشف قانون

۷۶ ۱۲-۴. تشخیص و تمییز
۷۷ ۱۳-۴. خطاهای ادراکی
۷۸ ۱-۱۳-۴. عوامل مؤثر در خطاهای ادراکی
۷۸ ۱-۱۳-۴. خطاهای ناشی از کارکرد حواس
۸۰ ۲-۱۳-۴. خطاهای ادراکی ناشی از انگیزه‌های شخصی
۸۴ ۳-۱۳-۴. خطاهای ادراکی ناشی از عوامل اجتماعی
۸۶ ۱۴-۴. ادراک شهودی
۸۶ ۱-۱۴-۴. قلب و ادراک شهودی
۸۷ ۲-۱۴-۴. قلب، مرکز احساس و ادراک
۸۷ ۱۵-۴. ادراک فراحسی
۸۸ ۱-۱۵-۴. پیش‌آگاهی
۸۸ ۲-۱۵-۴. رؤیای صادقانه
۸۹ ۳-۱۵-۴. غیب‌گویی
۸۹ ۴-۱۵-۴. تجارب دورآگاهی
۹۰ ۵-۱۵-۴. پس‌آگاهی
۹۰ ۶-۱۵-۴. تجارب لحظه مرگ
۹۱ ۷-۱۵-۴. رویارویی با یک وجود نامرئی
۹۱ ۸-۱۵-۴. مشاهده نور
۹۲ ۹-۱۵-۴. تجربه‌های برون‌جسمی
۹۲ ۱۰-۱۵-۴. ادراک‌های نیمه‌هشیار
۹۳ بحث ویژه: خطاناپذیری ادراک شهودی
۹۴ پرسش و تمرین

فصل پنجم: اصول و مبانی رفتار

۹۵ هدف‌های آموزشی
۹۵ ۱-۵. تبارشناسی مفهومی رفتار
۹۷ ۲-۵. انواع رفتار در منابع اسلامی
۹۷ ۱-۲-۵. رفتار آموخته شده و غیر آموخته شده
۹۷ ۲-۲-۵. رفتار ارادی و غیر ارادی
۹۸ ۳-۲-۵. رفتار قابل مشاهده و غیر قابل مشاهده
۹۸ ۴-۲-۵. رفتار هدفمند و رفتار غیر هدفمند

۹۹ ۵-۲-۵. رفتار آگاهانه و رفتار غیر آگاهانه
۹۹ ۶-۲-۵. رفتار علنی و رفتار مخفیانه
۱۰۰ ۷-۲-۵. رفتار فردی و رفتار اجتماعی
۱۰۰ ۳-۵. اصول حاکم بر رفتار آدمی
۱۰۰ ۱-۳-۵. ثبوت و ضبط عمل و رفتار
۱۰۲ ۲-۳-۵. جاودانگی عمل و رفتار
۱۰۲ ۳-۳-۵. ارتباط عمل با شخص عمل کننده
۱۰۳ ۴-۳-۵. عمل، معیار ارزشیابی افراد
۱۰۴ ۵-۳-۵. عمل، معیار پاداش و کیفر الهی
۱۰۴ ۶-۳-۵. بازتاب عمل در زندگی
۱۰۵ ۷-۳-۵. ارتباط عمل با هدف زندگی
۱۰۶ ۴-۵. مبانی و پیش نیازهای رفتار ارادی
۱۰۶ ۱-۴-۵. آگاهی و شناخت
۱۰۶ ۲-۴-۵. میل و گرایش
۱۰۷ ۱-۲-۴-۵. رابطه متقابل شناختها و امیال
۱۰۸ ۲-۲-۴-۵. دستگاه ادراکی (شناختی)
۱۰۸ ۳-۲-۴-۵. دستگاه گرایشی (تحریکی)
۱۰۸ ۴-۲-۴-۵. پیوند دستگاه ادراکی و گرایشی
۱۰۹ ۳-۴-۵. قدرت
۱۱۱ پرسش و تمرین

فصل ششم: انگیزش و فرایندهای مؤثر بر رفتار

۱۱۳ هدفهای آموزشی
۱۱۳ ۱-۶. مقدمه
۱۱۳ ۲-۶. مفهوم‌شناسی انگیزش در قرآن و حدیث
۱۱۵ ۳-۶. دسته‌بندی عوامل انگیزشی رفتار
۱۱۵ ۱-۳-۶. عوامل درون فردی
۱۱۵ ۱-۱-۳-۶. نفس، سیستم انگیزشی رفتار
۱۱۷ ۲-۱-۳-۶. نیروهای انگیزشی نفس
۱۱۹ ۳-۱-۳-۶. انگیزش کنترل شخصی
۱۲۰ ۴-۱-۳-۶. تعارض‌های درون‌روانی

۱۲۱ ۵-۱-۳-۶. نفس، میدان کار و زار نیروها
۱۲۲ ۶-۱-۳-۶. انرژی روانی
۱۲۳ ۷-۱-۳-۶. غرایز
۱۲۴ ۸-۱-۳-۶. امیال
۱۲۷ ۹-۱-۳-۶. نیازها: تعیین کننده جهت رفتار
۱۲۸ ۱-۹-۱-۳-۶. طبقه بندی نیازهای انسان براساس آیات و روایات
۱۲۸ الف) نیازهای زیستی
۱۳۰ ب) نیازهای روانی
۱۳۰ ج) نیازهای معنوی
۱۳۱ ۱۰-۱-۳-۶. قصد و اراده
۱۳۱ ۱۱-۱-۳-۶. عوامل محیطی
۱۳۱ ۴-۶. جاذبه ها و مشوق ها: افزایش احتمال وقوع رفتار
۱۳۲ ۱-۴-۶. جاذبه های دیداری
۱۳۲ ۲-۴-۶. جاذبه های شنیداری- کلامی
۱۳۳ ۳-۴-۶. جاذبه های جنسی
۱۳۳ ۴-۴-۶. جاذبه های اخلاقی- معنوی
۱۳۵ ۵-۴-۶. تشویق و ترغیب های کلامی
۱۳۶ ۶-۴-۶. دریافت پاداش و تقویت
۱۳۷ ۷-۴-۶. تنبیه و مجازات
۱۳۹ ۵-۶. الگوها: یادگیری مشاهده ای
۱۴۰ ۶-۶. فرایند انگیزش رفتار ارادی
۱۴۱ پرسش و تمرین

فصل هفتم: رشد در گستره زندگی

۱۴۳ هدف های آموزشی
۱۴۳ ۱-۷. تعریف رشد
۱۴۴ ۲-۷. پیوسته یا مرحله ای بودن رشد
۱۴۴ ۳-۷. دوره ها و مراحل رشد
۱۴۴ دوره اول: رشد پیش از تولد
۱۴۴ مرحله یک: انعقاد نطفه تا چهل روزگی
۱۴۵ مرحله دو: چهل تا هشتاد روزگی

۱۴۶	مرحله سه: هشتاد روزگی تا چهار ماهگی
۱۴۹	مرحله چهار: از چهار ماهگی تا تولد
۱۵۰	دوره دوم: رشد کودکی
۱۵۰	مرحله یک: تولد تا ۲ سالگی (شیرخوارگی یا کودکی اولیه)
۱۵۱	مرحله دو: از ۲ تا ۷ سالگی (کودکی میانه)
۱۵۲	مرحله سه: از ۷ تا ۱۲، ۱۳ سالگی (کودکی پایانی)
۱۵۲	دوره سوم: رشد نوجوانی
۱۵۳	دوره چهارم: رشد جوانی
۱۵۴	الف) توانایی‌ها و تکالیف رشدی در دوره جوانی
۱۵۶	ب) استفاده بهینه از دوره جوانی
۱۵۶	دوره پنجم: رشد میانسالی
۱۵۷	دوره ششم: رشد سالمندی
۱۵۹	الف) سالمندی و نگرش نسبت به مرگ و مردن
۱۶۰	ب) آمادگی برای مرگ و مردن
۱۶۱	ج) اوصاف و ویژگی‌های مرگ
۱۶۲	د) سالمندی و تجربه مرگ
۱۶۴	دوره هفتم: رشد روانی پس از مرگ
۱۶۴	الف) نقش عمل در رشد روانی پس از مرگ
۱۶۶	پرسش و تمرین

فصل هشتم: یادگیری، زبان و شناخت

۱۶۷	هدف‌های آموزشی
۱۶۷	۱-۸. مقدمه
۱۶۷	۲-۸. تعریف یادگیری
۱۶۸	۳-۸. اهمیت یادگیری
۱۶۸	۴-۸. گستره و قلمرو یادگیری انسان
۱۶۹	۵-۸. یادگیری زبان
۱۷۱	۶-۸. زبان آموزی در حیوانات
۱۷۲	۷-۸. بحث ویژه: یادگیری زبان در مورد حضرت آدم <small>علیه السلام</small>
۱۷۴	۸-۸. اهمیت یادگیری در کودکی
۱۷۵	۹-۸. خواندن و نوشتن

۱۷۵ ۱۰-۸. مهارت‌های زندگی
۱۷۶ ۱۱-۸. احکام و معارف دینی
۱۷۷ ۱۲-۸. فرایندهای یادگیری
۱۷۷ ۱-۱۲-۸. مشاهده
۱۷۹ ۲-۱۲-۸. تمرین و تکرار (عادت)
۱۷۹ ۳-۱۲-۸. تجربه و آزمایش
۱۸۰ ۴-۱۲-۸. دریافت تقویت
۱۸۱ ۱۳-۸. انواع تقویت‌کننده‌ها در آیات و روایات
۱۸۱ ۱-۱۳-۸. تقویت‌کننده‌های اولیه
۱۸۲ ۲-۱۳-۸. تقویت‌کننده‌های اجتماعی
۱۸۲ ۳-۱۳-۸. تقویت‌کننده‌های بازخوردی
۱۸۲ ۴-۱۳-۸. تقویت‌کننده‌های معنوی
۱۸۵ ۱۴-۸. شناخت و تفکر
۱۸۵ ۱-۱۴-۸. تعریف تفکر
۱۸۵ ۲-۱۴-۸. اهمیت تفکر در اسلام
۱۸۷ ۳-۱۴-۸. آثار تفکر در موضوعات و پدیده‌های زندگی
۱۸۹ ۴-۱۴-۸. تصمیم‌گیری و انتخاب
۱۸۹ ۵-۱۴-۸. استدلال
۱۹۰ ۶-۱۴-۸. تفکر انتقادی
۱۹۱ ۱-۶-۱۴-۸. مؤلفه‌های تفکر انتقادی در آیات و روایات
۱۹۴ ۲-۶-۱۴-۸. تفکر خلاق
۱۹۵ ۳-۶-۱۴-۸. ویژگی‌های افراد خلاق
۱۹۸ ۴-۶-۱۴-۸. یادآوری و فراموشی
۲۰۱ انواع فراموشی
۲۰۲ ۷-۱۴-۸. بحث ویژه: فراموشی خدا
۲۰۴ ۸-۱۴-۸. خدا فراموشی عامل خود فراموشی
۲۰۴ ۹-۱۴-۸. نقش واسطه‌ای شیطان در فراموشی انسان
۲۰۵ پرسش و تمرین
۲۰۷ منابع و مأخذ

نمایه‌ها

۲۱۹	نمایه آیات
۲۲۷	نمایه روایات
۲۳۷	نمایه اصطلاحات
۲۴۱	نمایه اشخاص

مقدمه

در صد سال گذشته روان‌شناسان برای فهم ما از رفتار انسان به تحقیق و پژوهش پرداخته‌اند. آنها تلاش کرده‌اند که با به‌کارگیری روش تجربی، رفتار و فرایندهای روانی را شناسایی کنند. گرچه این تلاش‌ها در مجموع موفقیت‌آمیز بوده است، ولی تنها بخشی از حقایق مربوط به انسان را نشان می‌دهد. برای یافتن درک درست و کاملی از انسان، راهی جز مراجعه به دین و کلام وحی وجود ندارد. شاید بتوان گفت که یکی از علل اصلی علاقه‌مندی به علوم انسانی اسلامی و از جمله روان‌شناسی به همین مسئله بر می‌گردد.

باید توجه داشت که روان‌شناسی اسلامی بدون پاسخ‌گویی به این پرسش‌ها ممکن نیست: آیا گزاره‌های دینی می‌توانند در حالی که تجویزی هستند، حکایت از واقع داشته باشند؟ آیا می‌توان با استفاده از آیات و روایات به بررسی موضوعات مختلف روان‌شناسی پرداخت؟ آیا چارچوبی برای ساماندهی اطلاعات موجود در آیات و روایات و تطبیق و مقایسه آنها با مباحث روان‌شناسی وجود دارد؟

این پژوهش براساس سرفصل دروس وزارت علوم، تحقیقات و فناوری برای آشنایی دانشجویان دوره کارشناسی رشته‌های روان‌شناسی، روان‌شناسی تربیتی، مشاوره و گرایش‌های وابسته به آن با موضوعات و مباحث روان‌شناسی در قرآن و حدیث اجرا شده است. یافته‌های این پژوهش در دو جلد با عنوان «روان‌شناسی در قرآن و حدیث» و عمدتاً مطابق با سرفصل‌های روان‌شناسی عمومی در اختیار علاقه‌مندان قرار می‌گیرد. انتظار می‌رود دانشجویان پس از گذراندن این درس، با موضوعات اصلی روان‌شناسی در قرآن و حدیث آشنا شوند. این کتاب، جلد نخست «روان‌شناسی در قرآن و حدیث» است که محتوای آن در هشت فصل تدوین شده است:

در فصل اول ضمن اشاره به تعریف و تاریخچه روان‌شناسی، کلیات و مبانی نظری روان‌شناسی در قرآن و حدیث بررسی می‌شود؛ فصل دوم به مبانی انسان‌شناسی در قرآن و حدیث می‌پردازد؛ فصل سوم به تاریخچه و پیشینه پژوهش‌های روان‌شناختی در قرآن و حدیث اختصاص یافته است؛ احساس و ادراک، و انگیزش و فرایندهای مؤثر بر رفتار به ترتیب عنوان فصل چهارم و پنجم این مجموعه را تشکیل می‌دهد؛ فصل ششم به هیجان‌ها و عواطف در آیات و روایات اختصاص می‌یابد؛ رشد در گستره زندگی عنوان فصل هفتم است؛ و سرانجام در فصل هشتم یادگیری در قرآن و حدیث بحث و بررسی می‌شود.

در فرایند تألیف این اثر از نظارت و مشاوره علمی حضرت آیت‌الله سیدمحمد غروی‌راد، مدیر محترم گروه روان‌شناسی پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، بهره‌مند بوده‌ام و نیز از اظهار نظر ارزیبان محترم، جناب حجت‌الاسلام دکتر مسعود آذربایجانی و دکتر عباس رحیمی‌نژاد سود برده‌ام. بدین‌وسیله از ایشان و همه عزیزانی که در به ثمر رسیدن این اثر نقش داشته‌اند، صمیمانه تشکر می‌کنم.

محمدصادق شجاعی

فصل اول

کلیات و مبانی نظری روان‌شناسی در قرآن و حدیث

هدف‌های آموزشی

از دانشجو انتظار می‌رود پس از مطالعه و یادگیری مطالب این فصل بتواند:

۱. روان‌شناسی را تعریف کند؛
۲. موضوع، هدف و پیشینه روان‌شناسی را بیان کند؛
۳. با تعریف و معنای روان‌شناسی در قرآن و حدیث آشنا شود؛
۴. ظرفیت قرآن و حدیث برای موضوعات روان‌شناسی را شرح دهد؛
۵. نقش قرآن و حدیث برای تولید نظریه علمی را بیان کند؛
۶. روش‌های تحقیق در قرآن و حدیث را توضیح دهد.

۱-۱. تعریف روان‌شناسی

تعریف روان‌شناسی همراه با دگرگونی‌هایی که در سیر تاریخی این رشته به وجود آمده، همواره تغییر کرده است. نخست روان‌شناسی به دانشی گفته می‌شد که فرایندهای روحی و روانی انسان و یا به تعبیر دیگر ذهن را مورد بحث قرار می‌داد. چيستی روح، رابطه نفس و بدن، پدیده خواب و خواب دیدن، شناخت و یادگیری از مباحث اصلی و مهم روان‌شناسی بود. در گذر زمان، هر یک از روان‌شناسان براساس دیدگاهی که داشتند، روان‌شناسی را به گونه‌های متفاوتی تعریف کردند، ولی در حال حاضر تعریفی که به‌عنوان یک تعریف رسمی از روان‌شناسی در کتاب‌ها یاد می‌شود؛ عبارت است از: مطالعه علمی رفتار و فرایندهای ذهنی (سانتراک، ۱۳۸۸، ج ۱، ص ۳۸). در این تعریف فرایندهای ذهنی هم آمده تا بفهماند که روان‌شناسی از رفتارهای غیرقابل مشاهده نیز بحث می‌کند.

۱-۲. موضوع روان‌شناسی

موضوع روان‌شناسی رفتار است.^۱ در زبان روزمره، رفتار بیشتر به رفتار قابل مشاهده اشاره دارد؛ ولی در روان‌شناسی، رفتار برای توصیف هر کاری که فرد انجام می‌دهد یا فکر می‌کند به کار می‌رود.

۱-۳. اهداف روان‌شناسی

روان‌شناسی چهار هدف اصلی را دنبال می‌کند که عبارتند از: توصیف، تبیین، پیش‌بینی و کنترل رفتار. روان‌شناسان در برخی پژوهش‌های خود تنها می‌کوشند از راه مشاهده رفتارهای افراد را توصیف کنند. در تحقیقات دیگر، افزون‌بر توصیف، با استفاده از ابزارهای خاص تلاش می‌کنند علل رفتار را نیز تبیین کنند. همچنین، گاهی به پیش‌بینی وقوع رفتار مورد مطالعه در آینده می‌پردازند و در نهایت، آنان با تحقیقاتی که انجام می‌دهند، شیوه‌هایی را به کار می‌گیرند تا رفتارهای نامطلوب افراد را مهار کنند و در نهایت تغییر دهند (هافمن و همکاران، ۱۳۷۹، ج ۱، ص ۲۱-۲۲).

۱-۴. پیشینه و تاریخچه روان‌شناسی

از نظر تاریخی روان‌شناسی سه دوره را پشت سر گذاشته است:

دوره اولیه (روان‌شناسی عامه): در واقع، از زمانی که انسان به وجود آمده و خود را شناخته است، قدم‌های اولیه روان‌شناسی برداشته شده است. نخستین آثار ادبی باقی مانده از قدیمی‌ترین متون، گویای وجود اندیشه‌های گوناگون درباره انسان و شناخت فرایندهای روانی است.

دوره میانی (روان‌شناسی به‌عنوان بخشی از فلسفه): تصور بر این است که روان‌شناسی از دوره یونان باستان تا اواخر قرن نوزدهم به‌عنوان بخشی از فلسفه به شمار می‌رفت. در این دوره، فلاسفه به مباحث مختلف عملکردهای انسان در بخشی از فلسفه به نام علم‌النفس می‌پرداختند. به ندرت می‌توان موضوعی را در کتاب‌های درسی روان‌شناسی عمومی امروز یافت که دست‌کم به‌طور اجمال مورد توجه فلاسفه قرار نگرفته باشد. در این دوره و از این

۱. این تعریف از روان‌شناسی بیشتر تحت تأثیر نظریه رفتارگرایی ارائه شده است.

کلیات و مبانی نظری روان‌شناسی در قرآن و حدیث ۵

دیدگاه تلاش بر این بوده است که با روش‌های فلسفی، پدیده‌های روانی از جمله احساس و ادراک، شناخت، تفکر، انگیزش رفتار، رابطه نفس و بدن و... بررسی شود.

دوره معاصر (روان‌شناسی تجربی): در دهه‌های نخست قرن نوزدهم، پژوهش‌هایی چون زیست‌شناسی، فیزیولوژی، شیمی و فیزیک علاقه برخی دانشمندان را به مطالعه رفتار حیوان و انسان برانگیخت. با تأسیس نخستین آزمایشگاه روان‌شناسی از سوی ویلهلم ونت در سال ۱۸۷۹، روان‌شناسی به‌عنوان یک رشته علمی به‌طور رسمی کار خود را آغاز کرد. امروزه، رشد و توسعه روان‌شناسی به‌گونه‌ای است که بخش‌های مختلف زندگی را دربر گرفته و به یکی از کاربردی‌ترین دانش‌ها در حوزه علوم انسانی تبدیل شده است.

۵-۱. نقش فراموش شده دین و منابع دینی در تاریخچه روان‌شناسی

در تاریخ روان‌شناسی مانند بسیاری از رشته‌های علمی دیگر از افلاطون، ارسطو، فلاسفه و دانشمندان غربی به‌عنوان پایه‌گذاران اصلی و کسانی که دانش روان‌شناسی با تأثیرپذیری از افکار و اندیشه‌های آنان به ثمر رسیده است، یاد می‌شود.

تأثیر فلاسفه یونان باستان در ساخت‌دهی افکار بشری و نقش دانشمندان مغرب‌زمین در توسعه و پیشرفت رشته‌های علمی و از جمله روان‌شناسی بر کسی پوشیده نیست؛ ولی این امر موجب نمی‌شود که نقش و جایگاه دین، انبیای الهی و متفکران مذهبی به‌ویژه مسلمانان را در شکل‌دهی و پیشرفت روان‌شناسی نادیده بگیریم. نقش انبیا و کتاب‌های آسمانی در رشد و توسعه آموزه‌های روان‌شناختی بسیار مهم است. در کتاب‌های آسمانی مطالب متنوعی درباره انسان، حقیقت و ماهیت نفس، رابطه نفس و بدن، امیال و عواطف، نیازها، انگیزه‌ها و بهداشت روانی به چشم می‌خورد. بسیاری از فرضیاتی که زیربنای نظریه‌ها و پژوهش‌های روان‌شناختی را تشکیل می‌دهد، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم از آموزه‌های دینی سرچشمه گرفته است. هوبرینک^۱ در کتابی با نام علم جدید در کتاب مقدس^۲ به نقش دین در پیشرفت علوم بشری پرداخته و نمونه‌های زیادی را در حوزه‌های مختلف علمی برشمرده است. دیکسون^۳ در کتاب

1. Hobrinc, B.

۲. عنوان اصلی کتاب Modern Science in the Bible است. این کتاب از سوی میشل خوری با عنوان العلم الحدیث فی الكتاب المقدس در سال ۲۰۰۷ به عربی ترجمه و در اردن به چاپ رسیده است.

3. Dixon, T.

درآمدی بر علم و دین^۱ و باربور^۲ در کتاب دین و علم^۳ ضمن اشاره به نبودن تعارض بین علم و دین، نقش هریک از آنها را در پیشرفت دیگری بحث کرده است. «رابطه منطقی دین و علوم کاربردی» عنوان پژوهش دیگری است که به وسیله پیروزمند تدوین و در آن به نقش برجسته دین در پیشرفت علوم تجربی پرداخته شده است. گلشنی با طرح این پرسش که «آیا علم می‌تواند دین را نادیده بگیرد؟» نظر بیش از شصت نفر از اندیشمندان مشهور جهان را جویا شده و همه آنها بدون استثنا به نقش ممتاز دین در پیشرفت علوم بشری اشاره کرده‌اند.^۴ نقش دین در پیشرفت دانش یونانی نیز بسیار چشمگیر است. عباس‌نژاد در پژوهش خود با نام: «پیشرفت علم» سیر تحول دانش بشری را از دوره یونان باستان بررسی و به نقش دین در معرفت‌افزایی دانش یونانی و دوره معاصر اشاره کرده است (عباس‌نژاد، ۱۳۸۸). ژیلسون در کتاب تاریخ فلسفه مسیحی نقش مسیحیت را در پیشرفت دانش‌های بشری بررسی کرده است که بخشی از آن به روان‌شناسی مربوط می‌شود (ژیلسون، ۱۳۸۹ و حجازی، بی‌تا). همه اینها نشان می‌دهد که نقش دین و منابع دینی (تورات، انجیل، قرآن) در تاریخچه دانش بشری و از جمله موضوعات و مباحث روان‌شناسی را نمی‌توان نادیده گرفت.

اکنون که کمی با تعریف، موضوع، تاریخچه و اهداف روان‌شناسی آشنا شدیم، لازم است درباره اینکه منظور ما از «روان‌شناسی در قرآن و حدیث» چیست و ظرفیت آیات و روایات برای موضوعات روان‌شناختی تا چه اندازه خواهد بود، کمی توضیح دهیم.

۱-۶. روان‌شناسی در قرآن و حدیث

در آیات و روایات با انواع گوناگونی از گزاره‌های روان‌شناختی روبه‌رو هستیم. این گزاره‌های به ظاهر پراکنده آنگاه که در کنار هم قرار می‌گیرند، روح واحد و مشترکی پیدا می‌کنند. این همان

۱. نام کتاب به انگلیسی A Very Short Introduction Science and Religion و به فارسی علم و دین است که آن را محمد دهقانی ترجمه کرده و از سوی انتشارات نشر ماهی در سال ۱۳۹۴ منتشر شده است.

2. Barbour, I.G.

۳. نام کتاب به انگلیسی Religion and Science است و آن را فیروز بلورچی به فارسی ترجمه کرده و انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی در سال ۱۳۹۲ به چاپ رسانده است.

۴. مجموعه این مصاحبه‌ها و دیدگاه‌ها در کتاب آیا علم می‌تواند دین را نادیده بگیرد؟ نخست به انگلیسی و سپس به فارسی ترجمه و از سوی انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در سال ۱۳۸۷ به چاپ رسیده است.

کلیات و مبانی نظری روان‌شناسی در قرآن و حدیث ۷

چیزی است که ما از آن به روان‌شناسی در قرآن و حدیث تعبیر می‌کنیم. روان‌شناسی در قرآن و حدیث خود بخشی از روان‌شناسی اسلامی است. باید توجه داشت که دستیابی به روان‌شناسی اسلامی بدون پژوهش‌های نظری و گردآوری و استخراج موضوعات روان‌شناختی از آیات و روایات امکان‌پذیر نیست. گرچه ممکن است از نظر برخی پژوهشگران خود این روان‌شناسی اسلامی باشد، ولی به نظر می‌آید که این برداشت ناقصی از روان‌شناسی اسلامی است و ما با روان‌شناسی اسلامی فاصله زیادی داریم. با این حال، برای ایجاد روان‌شناسی اسلامی چاره‌ای نداریم که از این نقطه‌ها آغاز کنیم، زیرا این نوع پژوهش‌ها پیش‌نیاز روان‌شناسی اسلامی به معنای واقعی کلمه است.

بنابراین، در اینجا منظور ما از روان‌شناسی در قرآن و حدیث، بررسی این موضوع است که چه مفاهیم و موضوعات روان‌شناختی در قرآن و حدیث وجود دارد. ما احتمالاً در این پژوهش با موضوعات مختلفی روبه‌رو خواهیم شد. برای سهولت کار، نقطه شروع کار ما سرفصل‌ها و موضوعاتی است که در روان‌شناسی (روان‌شناسی عمومی) وجود دارد؛ برای مثال، رشد، شخصیت، انگیزش، هیجان، بهداشت روانی برخی عناوین و سرفصل‌هایی هستند که در این پژوهش بررسی شده است و بیشترین تلاش ما معطوف به این نوع گزاره‌ها است. همچنین در این اثر موضوعاتی مورد بررسی قرار خواهد گرفت که در روان‌شناسی کمتر به آنها پرداخته می‌شود.

۱-۷. ظرفیت قرآن و حدیث برای موضوعات روان‌شناسی

پرسشی که ممکن است مطرح شود این است که ظرفیت قرآن و حدیث برای موضوعات روان‌شناختی تا چه اندازه است؟ آیا اصولاً اینکه ما از آیات و روایات انتظار روان‌شناسی داشته باشیم، انتظار درستی است؟! به‌ویژه اینکه گفته می‌شود هدایف دین هدایت است و نه چیز دیگر. بنابراین، روان‌شناسی در قرآن و حدیث چه معنایی می‌تواند داشته باشد؟! در سال‌های گذشته، بحث و جدل‌های زیادی در این زمینه صورت گرفته است که ما نمی‌خواهیم در اینجا وارد آن شویم. ما تنها می‌خواهیم به این موضوع اشاره کنیم که ظرفیت قرآن و حدیث برای موضوعات روان‌شناختی تا چه اندازه است. گرچه تلاش ما به ظاهر خیلی شبیه کار کسانی است که صرفاً با مراجعه به آیات و روایات درصدد ایجاد روان‌شناسی اسلامی هستند، ولی با کمی دقت متوجه خواهیم شد که اینها با هم تفاوت دارند. چیزی که این دو نوع برخورد را متفاوت از یکدیگر می‌سازد این است که آنها

می‌خواهند با مراجعه به آیات و روایات از نو دانشی را پایه‌ریزی کنند که همه قابلیت‌های روان‌شناسی موجود را دارا باشد و سرفصل‌های آن را پوشش دهد؛ در حالی که ما از آیات و روایات چنین انتظاری نداریم. ما می‌خواهیم این موضوع را بررسی کنیم که به‌طور تلویحی آیات و روایات چه اصول و قواعدی را که ما روان‌شناسی می‌نامیم، افاده می‌کند. بنابراین، منظور از روان‌شناسی در قرآن و حدیث بررسی موضوعات روان‌شناختی است که در قرآن و حدیث مطرح شده است.

۱-۸. دورنمای موضوعی روان‌شناسی در قرآن و حدیث

روان‌شناسی در قرآن و حدیث عنوان جدیدی است که به بررسی و گردآوری موضوعات مختلف روان‌شناسی در آیات و روایات می‌پردازد و از دلایلی که سبب شد تا به موضوعات روان‌شناسی در قرآن و حدیث توجه شود، آن بود که با وجود ظرفیت بالای قرآن و حدیث در این زمینه، تاکنون پژوهش‌های جامعی که به شکلی موضوعات مختلف روان‌شناسی را پوشش دهد، انجام نگرفته است. از این‌رو، مناسب است پیش از ورود به بحث اصلی، نخست دورنمای موضوعی روان‌شناسی در قرآن و حدیث که در چند محور اصلی طبقه‌بندی شده تبیین شود.

محور اول: روان‌شناسی با فلسفه، فیزیک و شیمی فرق دارد. روان‌شناسی در بسیاری موارد چیزی جدید کشف نکرده است، بلکه همین اصول و قواعدی را که انسان‌ها به‌طور طبیعی و معمولی در رفتارهای خود به کار می‌برند، برجسته و دسته‌بندی کرده و به صورت یک سری اصول کلی ارائه کرده است. برای مثال، یادگیری به شیوه عادت، تقویت، شرطی‌سازی، تشویق و تنبیه، خود شکل‌دهی رفتار از موضوعاتی است که همگان به کار می‌گیرند. قرآن نیز برای همین انسان نازل شده است. پس قرآن ناظر به زبان، فرهنگ و رفتار مردم است (طباطبایی، ۱۳۷۴، ج ۱۲، ص ۱۵). از این‌رو در آیات و روایات، همان اصولی که آنها به کار می‌گیرند، مورد استفاده قرار گرفته است (ثقفی تهرانی، ۱۳۹۸ق، ج ۱، ص ۳۵۳)؛

محور دوم: بخش قابل توجهی از آیات و روایات به انسان‌شناسی مربوط می‌شود. برای مثال، نحوه پیدایش انسان، فرایند رشد، مراحل و دوره‌های رشد، نیازها، انگیزه‌ها، امیال، هیجان‌ها و موضوعاتی از این دست که گاهی با عنوان انسان‌شناسی گردآوری می‌شود (ر.ک: محمدی ری شهری، ۱۳۸۷). این مجموعه از آیات و روایات می‌تواند اطلاعات بسیار مفید و ارزشمندی را در زمینه تبیین مراحل و دوره‌های رشد و عوامل انگیزشی رفتار در اختیار ما قرار دهد؛

محور سوم: در آیات و روایات از سرگذشت اقوام و ملل پیشین (قوم صبا، عاد، لوط، بنی اسرائیل)، شخصیت‌های تاریخی (فرعون، نمرود) و انبیای الهی (حضرت آدم، موسی، عیسی، نوح، یوسف، سلیمان، محمد صلی الله علیه و آله) سخن به میان آمده و به ویژگی‌های شخصیتی و رفتاری آنها پرداخته شده است. تحلیل و بررسی این مجموعه از آیات و روایات، افزون‌بر جنبه‌هایی از روان‌شناسی اجتماعی، می‌تواند برای مفهوم‌سازی شخصیت هم در جنبه‌های مثبت (الگوی شخصیت بهنجار) و هم جنبه‌های منفی (الگوی شخصیت نابهنجار)، کاربرد داشته باشد. برای مثال، در آیات و روایات برای «تیپ شخصیت قدرت‌طلب» مطالب زیادی وجود دارد. «پیش‌داوری» و «تبعیض» نیز از دیگر موضوعاتی است که فراوان در آیات و روایات بررسی شده است؛

محور چهارم: در اصل، قرآن کتاب هدایت است.^۱ برای اینکه هدایت به درستی انجام شود، توجه به اصول روان‌شناسی مخاطبان (افرادی که مورد هدایت قرار می‌گیرند)، لازم و ضروری است. همچنین هدایت نوعی تغییر رفتار است. در آیات و روایات به این نکته اشاره می‌شود که هدف دین و انبیای الهی اصلاح رفتارهای نامطلوب است. افزون‌بر این، هدف برنامه تغییر رفتار نیز مشخص شده است. همچنین، تا حدود زیادی به روش‌های تغییر رفتار در آیات و روایات اشاره شده است. شاید بتوان گفت آیات و روایات در زمینه تغییر رفتار از غنی‌ترین مجموعه‌ها به شمار می‌آید.

فرایند تاریخی و تدریجی هدایت انسان در قالب ادیان و کامل شدن آن با دین اسلام و نیز شیوه تبلیغی حضرت پیامبر صلی الله علیه و آله خود دارای یک روان‌شناسی است. از سوی دیگر، اینکه چرا ادیان در بافت‌های اجتماعی و زمان و مکان خاص و در شرایط فرهنگی-اجتماعی ویژه سر بر آورده‌اند، از نقطه نظر روان‌شناسی اجتماعی می‌تواند دلالت‌های مهمی داشته باشد؛

محور پنجم: در آیات و روایات عوامل فردی و اجتماعی تعیین‌کننده‌های به هم پیوسته رفتار معرفی شده‌اند. همچنین، از آیات و روایات استفاده می‌شود که رفتار فرد تحت تأثیر عوامل اجتماعی و محیطی است، اما نحوه برخورد و چگونگی تأثیرپذیری از عوامل محیطی در اختیار خود فرد است؛ یعنی همان‌طور که شرایط محیطی رفتار فرد را شکل می‌دهند، فرد نیز موقعیت‌ها را انتخاب می‌کند. براساس آموزه‌های اسلامی، فرد نه به وسیله نیروها و عوامل محیطی کنترل می‌شود و نه چنان آزاد است که خارج از تأثیر محیط عمل کند. بنابراین،

۱. ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ ... (بقره، ۲).

رفتار فرد از راه تعامل او با محیط تبیین می‌شود. شناخت عوامل فردی و محیطی و نحوه تأثیرگذاری آنها بر رفتار از مسائل محوری در آیات و روایات است؛

محور ششم: تأثیر الگوها یکی دیگر از مسائل محوری در منابع اسلامی است. الگوها هم از جنبه‌های مثبت و هم از جنبه‌های منفی مورد توجه قرار گرفته است. هدف بیان این الگوها چیست؟ به نظر می‌رسد الگوهای یاد شده در آیات و روایات می‌تواند افراد را در رسیدن به رفتارهای اجتماعی مطلوب کمک کند. به این ترتیب، یادگیری مشاهده‌ای از طریق الگوگیری زمانی اتفاق می‌افتد که فرد رفتاری را با مشاهده مستقیم یا غیر مستقیم رفتار دیگران (مطالعه سرگذشت دیگران و تاریخ گذشتگان) بیاموزد. باید توجه داشت که همه مشاهده‌کنندگان فوراً رفتارهای الگورا یاد نمی‌گیرند. از این‌رو، خصوصیات الگو و ویژگی‌های مشاهده‌کننده در یادگیری رفتار تأثیرگذار است. در برخی موارد، الگو می‌تواند اثر بازدارندگی داشته باشد. برای مثال، آگاهی از پیامد ناخوشایند رفتار گناهکاران موجب بازدارندگی رفتار مشابه آن در خود فرد می‌شود. به نظر می‌رسد مطالبی که در آیات و روایات در زمینه یادگیری مشاهده‌ای بیان می‌شود، بسیار راهگشا است؛

محور هفتم: یکی دیگر از موضوعات قابل توجه در آیات و روایات، روان‌شناسی افراد در قیامت است. در آیات و روایات به مناسبت‌های مختلف به رفتارها، واکنش‌ها و هیجان‌های افراد در قیامت اشاره شده است. در آیات و روایات قیامت به‌عنوان یک موقعیت ویژه در نظر گرفته می‌شود. بررسی اینکه افراد در موقعیت‌های خاص چگونه عمل می‌کنند، دلالت‌های مهمی می‌تواند در روان‌شناسی داشته باشد؛

محور هشتم: رفتار و سیره عملی انبیا و امامان معصوم می‌تواند منبع بسیاری از داده‌های روان‌شناختی باشد. آنها از نظر ویژگی‌های شخصیتی با افراد معمولی تفاوت زیادی دارند. نقش این‌گونه مطالعات در پیشرفت روان‌شناسی به‌طور کلی و به‌ویژه روان‌شناسی کمال (بررسی انسان سالم یا کامل) کاملاً مشهود است. یکی از نمونه‌های بارز آن نظریه خودشکوفایی مزلو است که در مطالعات مربوط به ویژگی‌های افراد خودشکوفا به دست آمده است؛

محور نهم: روان‌شناسی خود آیات و روایات نیز مهم است. منظور از روان‌شناسی آیات و روایات این است که تعبیر به کار رفته در آیات و روایات، شیوه استدلال، به‌کارگیری واژه‌ها و کلمات، خود مبتنی بر یک زیرساخت روان‌شناختی است. به نظر می‌رسد تحلیل و بررسی آیات و روایات با استفاده از روش معناشناسی زبانی دستاوردهای مهمی در این زمینه به همراه

داشته باشد. در برخی پژوهش‌ها تا اندازه‌ای به این موضوع پرداخته شده است. یکی از پژوهش‌ها در این زمینه مطالعه‌ای با نام «جمله‌شناسی قرآن» است (ر.ک: توحیدلو، ۱۳۸۹)؛ **محور دهم:** موضوعات و مفاهیم روان‌شناختی در قرآن و حدیث مانند دل‌بستگی به دنیا، زهد، قناعت، صبر، تقوا، آزمندی، بخل و... یک بخش اصلی آیات و روایات را به خود اختصاص داده است. به نظر می‌رسد همه اینها موضوعات روان‌شناختی هستند؛ گرچه ممکن است در روان‌شناسی رایج به آنها پرداخته نشده باشد. در آیات و روایات، افزون‌بر توصیف هر یک از این موضوعات به نحوه شکل‌گیری، فرایند رشد و زمینه‌ها و عوامل مؤثر بر آنها نیز پرداخته شده است. گردآوری این مجموعه از آیات و روایات می‌تواند در بخش‌های مختلف روان‌شناسی از جمله شخصیت، بهداشت روانی، آسیب‌شناسی و رشد استفاده شود؛

محور یازدهم: بخشی دیگر از آموزه‌های روان‌شناختی در قرآن و حدیث به ارتباط خدا و انسان مربوط می‌شود. ارتباط خدا و انسان در فرایند نزول وحی، گفتگوهای نمادین خدا با انسان، خطاب‌ها و دستورالعمل‌های قرآنی، نحوه تعامل و برخورد خدا با افراد و اقشار مختلف در قیامت همه مبتنی بر یک‌سری اصول روان‌شناختی است. همچنین، تصور و برداشت افراد از خدا، الگوی رفتاری راز و نیاز، انگیزه پرستش، ماهیت اخلاص و ریا، دل‌بستگی و عشق به خدا و نیز سرپیچی و تمرد در برابر خدا، جنبه‌هایی روان‌شناختی دارند و ممکن است با تحلیل و بررسی این مجموعه از آیات و روایات بتوان به یک الگوی نظری از «تحلیل رفتار متقابل در ارتباط خدا و انسان» دست یافت؛

محور دوازدهم: محور بعدی ویژگی‌های شیطان و نحوه تعامل او با انسان است. توجه به انگیزه‌های تمرد شیطان در برابر خدا و شیوه‌ها و راهکارهای او برای فریب انسان جز با تحلیل و تبیین‌های روان‌شناختی قابل فهم نیست. از سوی دیگر، اینکه شیطان چگونه در افراد نفوذ می‌کند، خود یک مسئله روان‌شناختی است. در آیات و روایات بحث‌های زیادی در این زمینه ارائه شده است. برای مثال، یکی از مکانیزم‌های اصلی نفوذ شیطان وسوسه‌انگیزی است. همچنین، شیطان می‌کوشد انسان را از یاد خدا، مرگ و قیامت غافل کند و برای اینکه در این کار موفق شود، روان‌شناسی خاصی را در پیش می‌گیرد.

اینها تنها بخشی از ظرفیت‌های روان‌شناختی قرآن و حدیث است. موارد یاد شده به خوبی نشان می‌دهد که آیات و روایات ظرفیت‌های زیادی برای روان‌شناسی دارد. شاید بتوان ده‌ها و حتی صدها موضوع از آیات و روایات در زمینه روان‌شناسی استخراج کرد.

۹-۱. نقش قرآن و حدیث در تولید نظریه علمی

روان‌شناسان نظریه‌هایی را در موضوعات مختلف روان‌شناسی ارائه داده‌اند. نظریه‌ها در اصل فرضیه‌ها یا گزاره‌هایی هستند که برای تبیین طبقه خاصی از پدیده‌ها و رویدادها به کار گرفته می‌شوند (کارور و همکاران، ۱۹۹۲، ص ۵). نظریه‌ها در روان‌شناسی مستقیماً با بایدها و نبایدها سروکار ندارند. برای مثال، ممکن است یک نظریه اعلام کند اگر نیازهای عاطفی کودکان ارضا نشود، در این صورت احتمالاً به انواع اختلالات روانی مبتلا خواهند شد، ولی این نظریه درباره اصول اخلاقی روش فرزندپروری چیزی نمی‌گوید. به‌طور کلی می‌توان گفت: نظریه با یک‌سری توصیف و تبیین‌های علمی سروکار دارد، ولی خوبی و بدی نتایج این اظهارات از قلمرو آن خارج است. از نظر برخی پژوهشگران تفاوت اصلی دین و علم به همین نکته برمی‌گردد. دین در واقع به چیزی که باید باشد، می‌پردازد؛ در حالی که علم و نظریه علمی چنین نیست.

بنابراین، یک‌سری توصیه‌ها و دستورالعمل‌ها درباره آنکه یک نفر چگونه زندگی خود را اداره کند، نظریه به شمار نمی‌آید. با چنین برداشتی، ممکن است این پرسش مطرح شود که آیا قرآن و حدیث می‌تواند در تولید نظریه علمی نقش داشته باشد؟ برای مشخص کردن پاسخ این پرسش، یک‌سری سؤال‌های مقدماتی دیگری نیز وجود دارد که ابتدا باید به آنها پاسخ داده شود.

نخستین سؤال اساسی در این زمینه آن است که منظور از علم و نظریه علمی چیست؟ برخی پژوهشگران علم را به معنای ساینس (science) و نظریه علمی را مترادف با دانش تجربی گرفته‌اند. حتی اگر چنین باشد، باز هم سخن گفتن از علم دینی بی‌معنا نیست؛ زیرا بسیاری از آموزه‌های دینی را می‌توان به صورت تجربی بررسی کرد. برخی پژوهشگران با بررسی آیات و روایات «نظریه علم تجربی دینی» را مطرح کرده‌اند که در جای خود ارزشمند است (باقری، ۱۳۹۱)، ولی باید توجه داشت که در اینجا منظور از علم، دانش و معرفت است. دانش و معرفت هر نوع آگاهی از عالم واقع را دربر می‌گیرد. اعم از اینکه واقعیات آفاقی و انفسی، واقعیات طبیعی و ماوراء طبیعی، واقعیات گذشته، حال و آینده باشند. بنابراین، هر نوع اطلاعاتی که ما درباره این موضوعات پیدا می‌کنیم، به آن علم و معرفت گفته می‌شود. نظریه علمی نیز به مجموعه اطلاعات و داده‌های منظمی گفته می‌شود که برای تبیین یک پدیده یا موضوع کاربرد دارد.

پرسش بعدی این است که آیا دین فقط ارزش می‌دهد یا دانش هم می‌دهد؟ برخی معتقدند دین تنها ارزش می‌دهد؛ علم و دانش خارج از حیطه رسالت ادیان است. بنابراین، انتظار نظریه علمی از آیات و روایات، انتظار نادرستی است. این دیدگاه نیز با اشکالات جدی روبه‌رو است.

نکته اصلی این است که دین تنها ارزش نمی‌دهد بلکه دانش هم می‌دهد. چند تبیین در این زمینه ارائه شده است. تبیین نخست این است که گزاره‌های دینی دو دسته هستند: گزاره‌های ارزشی و گزاره‌های علمی. منظور از علمی در اینجا علوم تجربی است. در قرآن حدود هفتصد آیه مربوط به طبیعت و دیگر موضوعات علوم تجربی آمده است (جمعی از مؤلفان، ۱۳۸۷، ص ۱۱۲)؛^۱ تبیین دوم این است که گزاره‌های دینی همواره بیانگر حقایق خارجی هستند و براساس امور حقیقی و خارجی پایه‌ریزی شده‌اند؛ تبیین دیگر که معقول‌تر هم به نظر می‌رسد این است که گرچه بیشتر گزاره‌های دینی در صورت و ظاهر ناظر به باید‌ها است، ولی در سیرت و باطن بیانگر یک‌سری هست‌ها می‌باشد و حقایقی را در خود نهفته دارد. این حقایق می‌تواند به وسیله محققان سازماندهی شده و به‌طور نظام‌دار به نظریه‌ها پیوند بخورد. با این برداشت، شاید بتوان از یک‌سری نظریه‌های علمی در قرآن و حدیث سخن گفت که به صورت ضمنی بیان شده است.

نظریه علمی نیز صرفاً دانش نیست، بلکه به صورت ضمنی شامل یک‌سری گزاره‌های ارزشی (باید و نباید) هم می‌شود. برای مثال، اگر نظریه‌های روان‌شناسی تنها دانش باشد، هیچ‌گاه نمی‌تواند بگوید برای پیشگیری و درمان چه باید کرد. برای مثال، بنابر نظریه شناخت در مانگری و آنچه امروزه با عنوان CBT از آن یاد می‌شود، چون منشأ افسردگی را افکار غلط (تفکر همه یا هیچ، منفی‌نگری) می‌داند، روان‌شناسی توصیه می‌کند. توصیه در واقع نوعی گزاره ارزشی است.

پرسش بعدی این است که نظریه‌های علمی به گمانه‌زنی متکی هستند. بنابراین، در عمل ممکن است اثبات یا رد شوند؛ در حالی که دین عین حقیقت است. پس چگونه ممکن است دین منشأ تولید نظریه علمی گردد؟! در پاسخ باید گفت:

همه نظریه‌ها ابطال‌پذیرند، چه اینکه از مشاهدات تجربی به دست آمده باشند یا از متون و منابع دینی، آنچه عین حقیقت است خود دین است. منابع دینی تنها راهی به سوی حقیقت و کاشف از آن به شمار می‌آیند. از سوی دیگر، نظریه‌ها به‌طور مستقل از آیات و روایات به وجود نمی‌آید، بلکه معنا بخشیدن و یکپارچه کردن داده‌ها و منتهی شدن به نظریه تا اندازه زیادی به فعالیت‌های پژوهشگر وابسته است. با توجه به اینکه تبدیل داده به نظریه فعالیت پژوهشگر به شمار می‌آید، پس طبیعی است که به‌طور هم‌زمان چندین نظریه وجود داشته باشد. همچنین، تا

۱. بخش عمده این آیات توسط محمدحسن رستمی در مجموعه‌ای با عنوان: سیمای طبیعت در قرآن گردآوری و مورد تحلیل و بررسی قرار گرفته است (رستمی، ۱۳۸۶).

زمانی که برداشت پژوهشگر در نظریه دینی نقش داشته باشد، ابطال‌پذیری نظریه یک امر کاملاً طبیعی است. بنابراین، تفاوت نظریه‌های دینی و غیردینی به اعتبار داده‌های اولیه آنها که نظریه براساس آن پایه‌ریزی شده بر می‌گردد.

اکنون که اندکی درباره علم و نظریه علمی سخن گفتیم، دوباره بر می‌گردیم به این پرسش که «آیا قرآن و حدیث می‌تواند در تولید نظریه علمی نقش داشته باشد؟» دلایل مختلفی وجود دارد که نشان می‌دهد آیات و روایات در تولید نظریه علمی می‌تواند نقش داشته باشد. هنگامی که آیات و روایات در کلیت خود بحث و بررسی شود، اطلاعات بسیار گسترده‌ای را در زمینه‌های مختلف روان‌شناسی در اختیار ما قرار می‌دهد. با وجود این، نقش آموزه‌های اسلامی در تولید نظریه روان‌شناختی با توجه به دو مسئله قابل پیگیری است: ۱. اینکه در آیات و روایات چه تصویری از انسان ارائه شده است؟ ۲. اینکه چه اصولی در تبیین عمل و رفتار انسان به کار گرفته شده است؟ در آیات و روایات مطالب بسیار زیادی در این دو زمینه وجود دارد. به خوبی می‌توان گزاره‌های مربوط به انسان و اعمال و رفتار او را از آیات و روایات استخراج و از آنها در پی‌ریزی جهت‌گیری‌های علمی در روان‌شناسی استفاده کرد.

۱-۱۰. روش‌شناسی و راهبردهای پژوهش در قرآن و حدیث

روان‌شناسان در پژوهش‌های خود از روش‌های مختلف استفاده می‌کنند. به‌طور کلی، برخی روش‌های به کار رفته در روان‌شناسی عینی و برخی کاملاً ذهنی هستند. تحقیق و پژوهش در قرآن و حدیث نیز روش‌شناسی خاص خود را دارد.

۱-۱۱. چیستی و اهمیت پژوهش

تحقیق و پژوهش به فرایند جستجوگری اشاره دارد که با هدف بررسی و کشف حقیقت، آزمودن، تأیید کردن، بازنگری یا ابطال در موضوعات علمی به کار گرفته می‌شود. با این حال، تحقیق و پژوهش اختصاص به دانشمندان ندارد، بلکه همه افراد به نوعی مشغول تحقیق و پژوهش هستند. پرسش‌هایی برای آنها مطرح می‌شود، فرضیه‌هایی را تدوین می‌کنند، آنها را می‌آزمایند، نتیجه‌گیری‌هایی به عمل می‌آورند و می‌کوشند آینده را پیش‌بینی کنند. داستان حضرت ابراهیم علیه السلام را در نظر بگیرید. احتجاج و استدلال وی در برابر مشرکان به فرایندهایی

که دانشمندان هنگام برخورد با یک مسئله علمی دنبال می‌کنند، شباهت دارد. حضرت ابراهیم (علیه السلام) در پی نفی ربوبیت اجرام آسمانی بود.

خداوند داستان ابراهیم (علیه السلام) را این‌گونه بیان می‌کند: «پس چون شب بر او پرده افکند، ستاره‌ای دید؛ گفت: این پروردگار من است (فرضیه) و چون غروب کرد، گفت: غروب‌کنندگان را دوست نمی‌دارم (پاسخ مورد انتظار). بار دیگر چون ماه را در حال طلوع دید، گفت: این پروردگار من است (فرضیه) و چون ناپدید شد، گفت: اگر پروردگار مرا هدایت نکرده بود، قطعاً از گروه گمراهان بودم (به اشتباه فرضیه خود پی برد). بار سوم چون خورشید را برآمده دید، گفت: این پروردگار من است، این بزرگ‌تر است (فرضیه) و چون افول کرد، گفت: من از آنچه برای خدا شریک می‌سازید، بیزارم. من از روی اخلاص، پاکدلانه روی خود را به سوی کسی گردانیدم که آسمان‌ها و زمین را پدید آورده است و من از مشرکان نیستم...» (انعام، ۷۶-۸۱). چنانچه مشاهده می‌شود، حضرت ابراهیم (علیه السلام) در این گفتگوی نمادین چندین فرضیه را مطرح، بررسی و آزمایش کرده است (شمس، ۱۳۸۳، ص ۱۰۸).

حضرت ابراهیم (علیه السلام) با این فرض شروع کرد که جهان آفریدگار و تدبیرکننده‌ای دارد. افزون‌بر این فرض اساسی، وی پذیرفته بود که هرچه تغییر کند، نمی‌تواند آفریننده و تدبیرکننده جهان باشد. از این گذشته، فرضیه قدرت و غلبه است. وی چون دید نور ماه بر نور ستاره و نور خورشید بر نور ماه و همچنین تاریکی شب بر خورشید غلبه کرد، نتیجه گرفت که هیچ‌یک نمی‌تواند به‌عنوان رب و تدبیرکننده جهان در نظر گرفته شود (حاجی ربیع، ۱۳۹۳، ص ۱۶۰). بنابراین، ستاره و ماه و خورشید چون تغییر می‌کنند، نمی‌توان آنها را به‌عنوان آفریننده و تدبیرکننده جهان در نظر گرفت.

۱-۱۲. جایگاه روش و روش‌شناسی در پژوهش‌های علمی

اگرچه روش و روش‌شناسی در بیشتر موارد به صورت مترادف و به جای هم به کار می‌روند، ولی در حقیقت این دو واژه به جنبه‌های متفاوتی از فرایند پژوهش اشاره دارند. روش‌شناسی نشانگر رویکرد کلی به مطالعه و بررسی موضوعات پژوهش است، در حالی که روش به یک تکنیک پژوهشی خاص اشاره دارد. به عبارت دیگر، روش‌شناسی موضع معرفت‌شناختی پژوهشگر را نشان می‌دهد. برای مثال، پژوهشگری که به‌طور برجسته‌ای دیدگاه تجربه‌گرایی را

در کسب دانش اتخاذ کرده است، بیش از آنکه از راه صورت‌بندی‌های نظری به موضوعات پژوهشی بپردازد؛ با جمع‌آوری داده‌ها دست به چنین کاری خواهد زد. این نشان می‌دهد که روش و روش‌شناسی تا اندازه زیادی با هم ارتباط دارند.

ارتباط بین روش و روش‌شناسی را در رویکردهای روان‌شناسی به خوبی می‌توان مشاهده کرد. برای مثال، روان‌تحلیلگری با تأکید بر بخش ناهشیار وجود انسان، روش‌های فرافکن، تحلیل رؤیا و هیپنوتیزم را به کار برده‌اند؛ در مقابل، رفتارگرایی براساس روش‌شناسی خاص خود یعنی بررسی رفتار آشکار از روش‌های عینی در پژوهش‌های خود استفاده کرده است. شناخت‌گراها به علت اهتمام بیش از اندازه به مسئله شناخت و تأثیر آن بر شخصیت و رفتار راهبردهای پژوهشی متفاوتی را اتخاذ کرده‌اند. این نشان می‌دهد که بین روش‌شناسی و روش پژوهش در نظریه‌های روان‌شناسی تا اندازه‌ای ارتباط وجود دارد. با این حال، در هر رویکردی، شیوه‌های مختلفی (مانند مشاهده، پرسشنامه، مصاحبه) برای پژوهشگر وجود دارد که می‌تواند از آنها برای جمع‌آوری داده‌ها استفاده کند.

روان‌شناسی در قرآن و حدیث مبتنی بر نوعی رویکرد تعقل‌گرایانه است. با این حال، برای گردآوری داده‌ها از روش‌های مختلفی که با این رویکرد تناسب و همخوانی دارد، می‌توان استفاده کرد.

۱-۱۳. روش‌های پژوهش در قرآن و حدیث

با توجه به گستره و تنوع موضوعات، انواع روش تحقیق در روان‌شناسی قرآن و حدیث می‌تواند کاربرد داشته باشد. براساس یک طبقه‌بندی کلی این روش‌ها را به دو دسته می‌توان طبقه‌بندی کرد:

۱-۱۳-۱. روش قیاسی

در این روش، فکر از راه دانسته‌های کلی به شناخت پدیده‌ها و موضوعات جزئی می‌پردازد. در استدلال قیاسی شرط اساسی درست بودن مقدمه‌ها و به عبارتی صغری و کبرای قضیه است. به نظر می‌رسد که عقل در استدلال قیاسی نقش برجسته‌ای دارد. از این‌رو، گاهی این روش با عنوان روش عقلی بحث می‌شود. اسلام عقل را به‌عنوان یکی از ابزارهای مهم شناخت پذیرفته است (رک: جوادی آملی، ۱۳۸۶).